

مطالعه تطبیقی ترجیحات بصری مخاطبان عام در سبک‌های معماری و هنر از منظر زیبایی‌شناسی*

سیدعلیرضا ناصحی^۱ - مهناز محمودی زرنندی^{۲*} - حسین ذبیحی^۳

۱. دکترای معماری، گروه معماری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه معماری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. دانشیار گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۶ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۲/۱۲/۰۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

چکیده

تحلیل‌های متعددی در خصوص معیارهای زیبایی و عوامل آن در معماری و هنر صورت گرفته است. هر یک از این دیدگاه‌ها گاه در قالب نظریه و گاه به‌عنوان یک بیانیه سبکی تعریف شده‌اند. طبقه‌بندی ویژگی‌های هندسی و ترکیب‌بندی‌های بصری سبک‌های معماری و هنر می‌تواند ما را در شناسایی عناصر تاثیرگذار در ادراک زیبایی یاری نماید. در کنار تحلیل‌های نظری و تئوری‌های سبکی لازم است ماحصل سبک‌های مختلف هنری و یا معماری در یک قضاوت عمومی مورد سنجش قرار گیرد. در این سنجش اصول سبکی و یا نظریه‌های زیبایی‌شناسی می‌تواند مورد راستی‌آزمایی قرار گیرند. ضمن آن که ترجیحات بصری از دیدگاه مخاطب آموزش‌ندیده برای معماران و طراحان نیز مشخص می‌گردد. آن‌چه از نظر معماران و هنرمندان حرفه‌ای به‌عنوان معیارهای زیبایی تعریف می‌شود در نهایت باید توسط عموم مورد قضاوت قرار گیرند. لذا در ابتدا فشرده‌ای از اصول و ویژگی‌های برخی سبک‌های مختلف معماری و هنر به‌عنوان پیشینه مورد بررسی قرار گرفته است و سپس تعداد صد نفر از دانشجویان غیر مرتبط با رشته‌های هنری و معماری جهت آزمون به‌صورت تصادفی انتخاب گردیدند. در این آزمون تصویر تعدادی از بناهای شاخص در سبک‌های مختلف معماری مورد قضاوت شرکت‌کنندگان قرار گرفت. نتایج با استفاده از تحلیل‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ترجیحات بصری زنان و مردان را با یکدیگر مطابقت داده و مشخص شد دارای اولویت‌های زیبایی‌شناسی بسیار متفاوتی است. ولی مجموع مخاطبان به‌صورت عمده به‌ترتیب گرایش به سبک‌های فولدینگ، ارگانیک و تندیس‌گرایی را نشان دادند. شاخص‌ترین ویژگی‌های بصری تاثیرگذار عبارت بودند از خطوط و سطوح منحنی، فرم‌های منعطف و سیال، خوانایی، یکپارچگی و وحدت در اجزاء، توازن و تعادل، ادغام با طبیعت و طبیعت‌گرایی، تناسب و هارمونی. این ویژگی‌ها فراگیر و فارغ از تقسیم‌بندی‌های سبکی است.

واژگان کلیدی: ترجیحات بصری، سبک معماری و هنر، مخاطبان غیرحرفه‌ای، زیبایی‌شناسی.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تبیین اصول گرایش‌های بصری زیبایی‌شناسی در معماری با ریشه‌یابی ادراک مبتنی بر علوم شناختی» با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم بوده که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به انجام رسیده است.
** E-mail: mahnaz_mahmoody@yahoo.com

۱. مقدمه

سبک‌های هنر و معماری عمدتاً در طبقه‌بندی نوع آثار کاربرد می‌یابند در حالی که زیبایی‌شناسی مفهومی فراتر از سبک و شیوه است. اما از سویی در متن اصول و قواعد سبکی می‌توان مفاهیم و معیارهای مهمی از زیبایی‌شناسی مختص سبک را یافت. شاخص‌های موجود در سبک و ارزش‌های زیبایی‌شناسانه آن در یک قضاوت عمومی می‌تواند آشکار شده و از ساختار هر اثر استخراج گردد.

مخاطب غیر حرفه‌ای و بدون تعلیمات هنری می‌تواند یک معیار سنجش آثار بدون تکیه بر تفاسیر و نظریه‌پردازی باشد. لذا این انتخاب انتخابی است نه بر مبنای مفاهیم تئوریزه‌شده زیبایی‌شناسی که بر مبنای قضاوت مخاطبان آثار معماری خواهد بود. تئوری‌ها، میانی و تفاسیر پس از انتخاب عمومی به‌کارگرفته می‌شوند، تا عنصر و یا شاخصه‌های مهم موثر در ادراک زیبایی مخاطبان استخراج و شناسایی گردند. برخی مطالعات زیبایی را در اجزا و المان‌ها جستجو نموده‌اند و برخی در مفاهیم فراگیر و کلی؛ به‌عنوان مثال خطوط منحنی و یا تصاویر متقارن الگوهایی خوشایند و مورد تایید مغز می‌باشند. محققان به این نکته رسیده‌اند که خطوط منحنی حس خوشایندتری نسبت به خطوط تیز گوشه در مغز ایجاد می‌نماید. همچنین تصاویر قرینه نسبت به تصاویر غیر قرینه حس زیبایی‌شناسی بیش‌تری در مغز ایجاد می‌نماید (Boskabadi, Afhami, and Farbod 2014). ویلیام هوگارت در کتاب آنالیز زیبایی معتقد است خطوط مستقیم صرفاً به‌لحاظ طول با یکدیگر متفاوتند در حالی که خطوط منحنی به‌لحاظ انحنا و طول زیبا هستند ترکیب خطوط مستقیم و منحنی متنوع‌تر و دارای زیبایی بیش‌تری است (Meyer 2020, 11). در میان سطوح منحنی نیز بیننده سطوح محدب را ترجیح خواهد داد و کامل‌ترین سطح منحنی کره است که از هر جهت در انتظام و تقارن است (Grutter 2018, 235).

خطوط منحنی در یک اثر می‌توانند اجزاء آن محسوب گردند اما تقارن اشاره به ساختار اثر دارد. هرچند تقارن نمی‌تواند مفهومی فراگیر باشد اما هم ردیف اجزاء نیز نمی‌توان در نظر گرفت. تحلیل‌ها بین اجزاء و ساختار در رفت و آمد است. این‌که چه جزئی و یا چه ساختاری در یک اثر نقش تعیین‌کننده دارد؛ گاهی صرفاً بر مبنای مطالعات محتوا و یا تفاسیر نظری تعیین می‌گردد. اما آنچه مسلم است نقش همزمان اجزا و ساختار در ادراک زیبایی است. این دو مفهوم کلیدی یعنی ویژگی اجزا و

نحوه سازماندهی اجزا (ساختار) می‌توانند مبنای تحلیل ویژگی‌های زیبایی‌شناسی سبکی در آثار برگزیده معماری باشند. سوالات اصلی و فرعی این پژوهش را این‌طور می‌توان بیان کرد: در تطبیق سبک‌های معماری مخاطبان عمدتاً به کدام نمونه موردی از سبک‌های معماری گرایش بیش‌تری نشان می‌دهند؟ چه ویژگی‌های هندسی و ترکیب‌بندی بصری در این نوع سبک‌ها موجب ارجحیت آنان به لحاظ زیبایی‌شناسی است؟ آیا با لحاظ فاکتور جنسیت، ترجیحات زیبایی‌شناسی در دوگروه زنان و مردان با یکدیگر قابل تطبیق است؟

۲. پیشینه مطالعات

سبک و شیوه هنر و معماری صرفاً یک بیانیه با اصول هندسی و بصری محض نیست. با این حال سبک معماری و هنر برای یافتن هویت خاص خود ناچار از ارائه قواعد فرمی مختص به خود است. معماری نوگرا در واقع نوعی فرمالیسم محض است. سبک‌های مختلف معماری بر اساس میزان توجه آنان به سازه و یا تزئینات می‌توانند تقسیم‌بندی شوند. دوره مدرن و تلاش‌های آن در سبک‌های مختلف در معماری را پوزنر عصیان علیه عقل می‌نامد. شورش علیه عقل صرفاً جستجو برای راه‌های نو نبود بلکه نشانه جدائی شعور و احساس، از دست رفتن کلیت هنری و نرسیدن به یک بیان هنری جدید بود (Grutter 2018, 175). آنچه در بیان سبک مدرن در برابر کلاسیک مطرح شده عصیان علیه عقل است. دو پایه احساس و عقل در زیبایی‌شناسی و ادراک آن نیز مطرح است، درمقابل دو نوع ساختار منظم و پیچیده و متناظر با دیدگاه‌های عقلی و احساسی نیز وجود دارد. این موضوع در راستای گرایشات بصری، تقسیم‌بندی شیوه‌ها و ارتباط آن با تقسیم‌بندی‌های زیبایی‌شناسی است. این‌که معماری مدرن را غیرعقلانی بدانیم به مفهوم احساسی بودن آنست، که این خود جای بحث دارد. آنچه در معماری مدرن می‌بینیم حذف تزئینات، سادگی، هندسه منظم، سازه‌گرایی و عملکردگرایی است. معماری با چنین مشخصات را که صرفاً به‌دنبال کارکرد محض است نمی‌توان احساسی نامید. مدرنیسم نتیجه خردگرایی و پست‌مدرنیسم اعتراضی در مقابل مدرنیسم بود. پست‌مدرن با تکیه بر واقعیات از انتزاع مدرن فاصله می‌گیرد. در نهایت فرم نماینده ایده‌ها و فلسفه‌هایی است که از آن نشات می‌گیرند. انطباق این فرم‌ها و سبک‌های معماری در جدول ۱ آورده شده است (Safdarian 2017).

جدول ۱: تقسیم‌بندی فرمال برخی سبک‌های معماری بر اساس شاخص‌های زیبایی‌شناسی

ویژگی‌های فرمی	سبک
سادگی در شکل، هندسه اقلیدسی، نظم، نفی تزئینات، و خلوص	مدرن
پیچیدگی، تقابل، تنوع و خطوط منحنی	پست مدرن

ویژگی‌های فرمی	سبک
عدم تقارن، ابهام و ناپایداری	دیکانستراکشن
پیچیدگی، بی‌نظمی، بی‌شکلی و سیالیت	پرش کیهانی

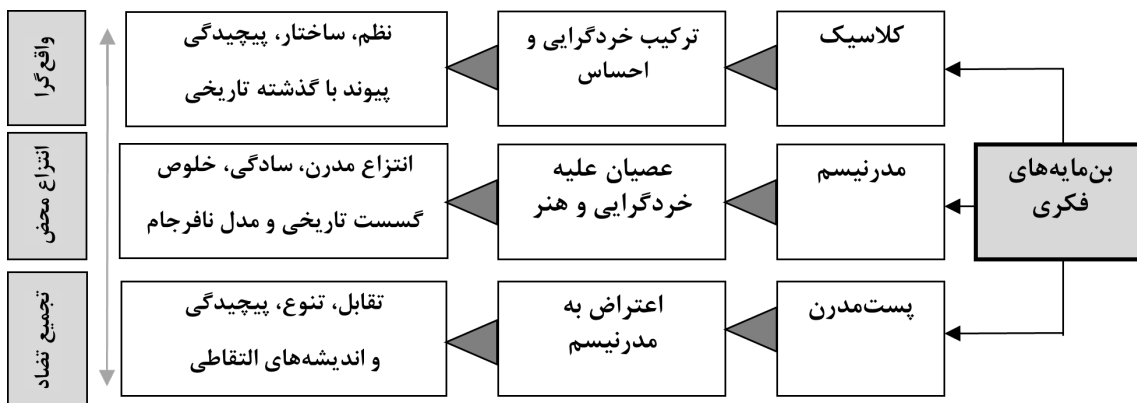
(Safdarian 2017)

توجه می‌شده است، در حالی که در دوره معاصر طراحی به دلیل سرعت بالا در تولید طبیعت را انتزاعی‌تر و ساده و سمبولیزه کرده است تا بتواند انسانی را که به سرعت از مقابل آن عبور می‌کند به خود جلب نماید. جستجوی سادگی فرم محدود به پیشگامان دوره مدرن نیست بلکه در تمام دوره‌ها با منسوخ کردن گذشته شیوه‌های غنی و پیچیده گذشته جای خود را به فرم‌های ساده‌تر می‌دهند (Meyer 2020, 129). پیچیدگی در ساختار یک شیوه هنری به مرور بیش‌تر می‌شود تا جایی که خوانایی اثر دشوار می‌گردد. به دنبال این پدیده تغییر ساختار کلی به سوی نظمی ساده‌تر اتفاق می‌افتد (شکل ۱).

به استناد این جدول می‌توان هر یک از سبک‌های معماری را با توجه به ویژگی‌های عناصر بصری تشکیل‌دهنده آن در هر یک از دسته‌بندی‌های زیبایی‌شناسی جای داد. آنچه لازم است در این جا به آن اشاره شود این است که دسته‌بندی آثار بر مبنای اجزا و مبنای بصری حاکم بر آن است. با مطالعه ویژگی‌های فرمی معماری شاخصه اجزا و ساختار در تفکیک و طبقه‌بندی سبک‌ها نقش مهمی ایفا می‌نماید.

بنابراین در این جا سبک‌ها نه به‌عنوان معیار زیبایی بلکه صرفاً برای دسته‌بندی به کار رفته‌اند. دوره رنسانس دوره‌ایست به دور از انتزاع که در هنر به طبیعت بیش‌تر

شکل ۱: سیر اندیشه‌های سبکی که در اثر تقابل با سبک‌های ماقبل خود ایجاد شدند.



نشان می‌دهد که انتزاع و ساده‌سازی و خلاصه‌گویی به دوره مدرن پس از هنر معماری کلاسیک محدود نمی‌شود بلکه در دوره‌های پیش و پس از هنر معماری پرتکلف همواره وجود داشته است. به‌عنوان مثال هنر بدوی خود نمونه‌ای روشن از هنر انتزاعی و کژنمایی در بیان هنری است. سبک‌های هنری در حوزه هنرهای تجسمی را نیز می‌توان بر اساس همین معیار تقسیم‌بندی کرد؛ این معیار نه وابسته به سبک است و نه وابسته به زمان به همین دلیل گاهی دو سبک هنری با اختلاف زمانی زیاد به لحاظ شیوه می‌توانند انطباق یابند و در یک طبقه‌بندی قرار گیرند. در جدول ۲ ویژگی‌های برخی از سبک‌های هنری آورده شده است. به وضوح معیار تفکیک عباراتی است که بر معیاری فراسبکی در زیبایی‌شناسی اشاره می‌کند. عباراتی همچون سادگی، بغرنجی، تنوع، نامنظم، هماهنگی، تقارن، وحدت، پرنقشی، همگی اشاره به اجزا و یا ساختار اثر دارد.

این نظریه در مطابقت با نظریه اطلاعات است. پیتر اسمیت ثابت می‌نماید که در طول تاریخ معماری یک بازه سه مرحله‌ای به‌طور مرتب تکرار شده است. مرحله اول دارای نظمی روشن و ساده است. ویژگی مرحله دوم تنش است که در نهایت در مرحله سوم به عدم وضوح و اغوا منجر می‌گردد. در این مرحله به حداکثر پیچیدگی و نهایت ظرفیت ادراکی می‌رسیم (Grutter 2018, 55). در واقع از میان این گفته‌ها چنین بر می‌آید که سبک‌ها در میان این توالی سادگی و پیچیدگی سر بر می‌آورند. همین تحلیل‌ها را در سایر رشته‌های هنری نیز می‌توان داشت. به‌عنوان مثال احساسات موجود در سبک اکسپرسیونیسم نسبت به منطقی بودن سبک کلاسیک در نقطه مقابل هم قرار می‌گیرند. سبک کلاسیک از دو منبع الهام گرفته است یکی عشق به طبیعت که منبع الهام یونانیان است و دومین منبع الهام بخش جستجوی حقیقت محض در علم و فلسفه می‌باشد (Dondis 2019, 189). این موضوع

جدول ۲: تقسیم‌بندی سبک‌های هنری براساس معیارهای بصری

سبک هنری	ویژگی‌های سبک
بدوی	مبالغه، ارتجال، پرتحرک، سادگی، انحراف از واقع، تخت، نامنظم، کمانی و رنگارنگ
اکسپرسیون	مبالغه، ارتجال، پرتحرک، بغرنج، کمانی، بی‌پردگی، تنوع، انحراف از واقع، نامنظم، چندعنصری، کیفیت قائم
کلاسیک	هماهنگی، سادگی، مطابق با واقع، تقارن، واضح، تکرنگی، سه بعدی، یکدستی، آرام و وحدت
تجملی	بغرنجی، پرنقشی، مبالغه، کمانی، بی‌پردگی، پراکندگی، تنوع، رنگارنگی، پرتحرک و درخشش
عملکردگرا	سادگی، متقارن، زاویه‌دار، قابلیت پیش‌بینی، یکدستی، ترادفی، وحدت، تکرار، صرفه‌جویانه، تلویح، تخت، منظم، واضح، تکرنگی و کیفیت مکانیکی

(Dondis 2019)

بصری که همگی بر تجربه زیبایی تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، قضاوت‌ها، جنبه‌هایی از حالت عاطفی فرد، میزان علاقه به محرک، وضعیت اجتماعی یا منافع مالی، تحصیلات، سابقه تاریخی، فرهنگی یا زمینه اقتصادی در تأثیرگذاری بر قضاوت‌های زیبایی‌شناختی مختلف نقش دارند (Jacobsen 2006, 156). بنابراین در میان مفاهیم و عناصر فراوانی که در زیبایی دخیل هستند باید به دنبال موثرترین آن‌ها باشیم.

۳. روش پژوهش

این مقاله با تحلیل و تفسیر موضوعات و با بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و دارای رویکردی توصیفی است. فرآیند تحلیلی به شیوه نظام‌مند با تحلیل محتوای پیشینه مطالعات آغاز و با تکیه بر خروجی تحلیل مطالعات آماری و جمع‌بندی یافته‌ها، نتیجه‌گیری انجام شده است. این پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه و انجام عملیات آماری صورت گرفته است. این تحقیق پیمایشی در رده پیمایش‌های مقطعی می‌باشد (Sarmad, Bazargan, and Hejazi 2019, 82).

در این پژوهش آلفای کرونباخ سوالات ۱۲ آیتمی زیبایی‌شناسی برابر با ۰.۷۹۴ به‌دست آمده است که در جدول ۳ نشان داده شده است. پرسش‌نامه زیبایی‌شناسی شامل نمونه موارد معماری‌های شاخص در سبک‌های مورد نظر است. که در ۱۲ گویه تصویری پاسخ‌نامه طیفی با پنج درجه در مقیاس لیکرت می‌باشد. به منظور کم کردن تأثیرات آموزش‌های معماری و هنر، حجم نمونه از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان غیر مرتبط با معماری و هنر انتخاب شده است. تعداد کل شرکت‌کنندگان صد نفر و به‌صورت تصادفی و نمونه‌های در دسترس انتخاب شده‌اند. بناهای انتخابی بر اساس سبک، دوره، تفاوت‌های ساختاری فرم و دیدگاه طراحی انتخاب شده‌اند. به این نحو که هر یک از این معماری‌ها، بناهای شاخصی هستند که سبک مرتبط با خود را نمایندگی می‌کنند. از طرفی تعدادی از انتخاب‌ها مرتبط با معماری کلاسیک غرب و معماری سنتی ایرانی است، تا گزینه‌های بیش‌تری را در

تقارن از جمله ویژگی‌های نام برده شده است که خود ساختاردهنده اجزا می‌باشد. تقارن چیدمان عناصر طراحی برای انتقال حس تعادل و توازن است درحالی‌که تناسب به مفهوم فاصله خوب در روابط اجزا است. نتیجه نهایی دلپذیر بودن یا کامل بودن با تناسب و تقارن است. در حالی که تأکید ویژه‌ای بر تقارن وجود دارد، عدم تقارن در طراحی دارای جذابیت است (O'Connor 2015, 85). در الگوهای انتزاعی پیچیده در ابتدا تقارن فرم تشخیص داده می‌شود و معمولاً به عدم تقارن ترجیح داده می‌شود (Jennath and Nidhish 2016, 1809). یکی از ویژگی‌های اساسی، تقارن است. پیوند بین تقارن و زیبایی را می‌توان تا افلاطون و ارسطو جستجو کرد. برای یک سطح پیچیدگی مشخص هرچه محرک متقارن باشد، اندازه‌گیری زیبایی نیز بالاتر است. دیدگاه عمومی تقارن را در زیبایی تأیید می‌کند. مردم همچنین به اشکال منحنی بیش از اشکال مشابه با خطوط تیز تمایل دارند. حتی تقارن در زیبایی‌شناسی چهره نیز نشانگر کیفیت در زیبایی است. پیوند بین تقارن و چهره جذاب به مفهوم کیفیت تندرستی فرد نیز هست (Kapoula and Vernet 2016, 275). حتی پردازش و جاذبه خطوط منحنی در مغز در ارتباط با تشخیص چهره است. چهره ناشناسی اختلالی مرتبط با عدم توانایی مغز در کدگذاری خطوط منحنی است. به همین دلیل خطوط و سطوح منحنی برای مغز و چشم دارای اهمیت ویژه‌ایست. علوم اعصاب معماری را در تلاش برای ایجاد هارمونی و زیبایی می‌داند که در تقارن، تناسب زیبا و هماهنگی در بناست که موجبات رضایت و خوشنودی مخاطب را فراهم می‌کند. هیجانانی که به‌هنگام دیدن اثر معماری بروز می‌کند (Mahmoodinezhad 2019, 133). قطعاً تقارن و سطوح منحنی تنها ساختار یا اجزا موثر در زیبایی نیستند. مجموعه عوامل متعددی در تجربه زیبایی‌شناختی موثرند و این موضوع ارائه یک چارچوب واحد در این زمینه را بسیار پیچیده می‌نماید. از جمله این عوامل عبارتند از: پیچیدگی یا سادگی، بداعت یا آشنایی قبلی، تناسب یا ترکیب، محتوای معنایی در مقابل کیفیت‌های بصری طراحی، میزان اهمیت محرک

هستند که به صورت تصادفی تعداد صد نفر از آنان در این آزمون شرکت نموده‌اند. پرسش‌نامه علاوه بر سوالات مشخصات فردی شرکت‌کنندگان دارای ۱۲ سوال در زمینه زیبایی آثار معماری در سبک‌های یادشده با پنج درجه لیکرت می‌باشد. میانگین امتیازات داده‌شده توسط شرکت‌کنندگان محاسبه و بر اساس امتیازات آثار و سبک‌ها رتبه‌بندی می‌شوند. سپس نمونه‌های موردی یا سبک‌های امتیاز بالا به لحاظ ویژگی‌های زیبایی‌شناسی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. پایایی و روایی پرسش‌نامه مورد محاسبه و تایید قرار گرفته است. پایایی پرسش‌نامه بر اساس محاسبه الفای کرونباخ برابر است با ۰.۷۹۴ که همبستگی مناسب بین ۱۲ سوال پرسش‌نامه را نشان می‌دهد. این مقدار در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳: آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ	تعداد سوالات
۰.۷۹۴	۱۲

نتیجه میانگین امتیازات داده‌شده به آثار با و بدون تفکیک جنسیت در جدول ۴ آورده شده است. در این جدول ترتیب آثار طبق پرسش‌نامه است.

جدول ۴: میانگین امتیازات آثار معماری براساس جنسیت و جمع کل

نماینده سبک	تاج محل	مرکز و بلا	خانه برجردی	خانه رقصان	خانه داگلاس	کلیسای سنت پل	کلیسای سیدنی	اپراهای شمس	خانه آبشار	گوگنهایم سن	ترتیب سوالات
q1	q2	q3	q4	q5	q6	q7	q8	q9	q10	q11	q12
۴.۲۳	۴.۵۵	۳.۹۴	۴.۲۲	۲.۴۵	۳.۷۲	۳.۸۶	۴.۳۳	۴.۱۲	۴.۵۳	۳.۷۲	۴.۰۹
۴.۴۴	۴.۳۳	۳.۸۹	۴.۲۸	۲.۴۷	۳.۷۸	۴.۳۹	۴.۳۹	۴.۱۷	۴.۲۲	۳.۶۴	۴.۲۵
۴.۳۱	۴.۴۷	۳.۹۲	۴.۲۴	۲.۴۶	۳.۷۴	۴.۰۵	۴.۳۵	۴.۱۴	۴.۴۲	۳.۶۹	۴.۱۵

براساس بخش اعشار صورت می‌گیرد. به‌عنوان مثال فاصله بین مرکز فرهنگی علیف که در رتبه اول است با خانه برجردی‌ها که در رتبه پنجم قرار گرفته ۰.۲۳ است یعنی این میزان اختلاف معادل پنج رتبه در جدول رتبه‌بندی است. چنان‌چه به تفکیک امتیاز دهی‌ها در جدول ۵ نگاه کنیم از نظر زنان مرکز علیف رتبه اول و از نظر مردان تاج محل دارای رتبه اول است. رتبه دوم از نظر زنان خانه آبشار و از نظر مردان، اپرا هال سیدنی یا کلیسای سنت پل دارای رتبه دوم است. برای روشن شدن بیشتر اختلاف می‌توان رتبه‌بندی زنان و مردان را جداگانه انجام داد و با تحلیل اختلاف‌ها به اولویت‌های بصری و زیبایی‌شناسی هر یک بیش‌تر پی برد.

اختیار مخاطب قرار دهد. سایر سبک‌ها همچون فولدینگ و یا دیکانستراکشن بر مبنای تفاوت‌های اساسی در فلسفه فکری این نوع از سبک‌ها انتخاب شده‌اند و در عین حال در زمره سبک‌های مهم و تاثیرگذار نیز هستند.

۴. بحث و تحلیل

مطالعه در خصوص زیبایی‌شناسی سبکی در معماری مستلزم مطالعه و شناسایی شاخصه‌های زیبایی و طبقه‌بندی آن‌هاست. تجزیه و تحلیل زیبایی‌شناسی در خصوص این معیارهای زیبایی‌شناسی نشان می‌دهد که هر یک آثار معماری فارغ از تقسیم‌بندی‌های سبکی در چه جایگاهی قرار می‌گیرد. بنابراین حتی الامکان شاخص‌ترین نمونه‌های موردی سبک‌های مطرح معماری را مورد سنجش قرار می‌دهیم تا پس از یک قضاوت عمومی دریابیم مهم‌ترین عناصر تاثیرگذار در ادراک زیبایی یک اثر معماری چه عواملی می‌توانند باشند.

سبک‌های در نظر گرفته‌شده عبارتند از سبک فولدینگ^۱، سنتی هند، مدرن، سنتی ایران، فولدینگ، دیکانستراکشن^۲، پست‌مدرن سفید، تندیس‌گرایی، کلاسیک غرب، بی‌ژانس و ارگانیک^۳. مجموعه سبک‌های در نظر گرفته‌شده به همراه یک یا دو نمونه شاخص موردی است که هر سبک را نمایندگی می‌نمایند. داوطلبان از میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های غیر مرتبط با هنر و معماری

در تطبیق آرای زیباشناسی زنان و مردان گرچه امتیازات مشابه به نظر می‌رسد، اما در اصل تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد. به‌دلیل این‌که آثار انتخابی دارای میانگین امتیاز بالایی هستند، لذا تفاوت‌ها در بخش اعشاری است. بالا بودن متوسط امتیازها از آنجایی است که تصاویر پرسش‌نامه بهترین نمونه‌های موردی هر سبک بودند. لذا متوسط امتیازها بالاست بنابراین بسیاری از رتبه‌بندی‌ها براساس همین بخش اعشاری صورت می‌گیرد. زنان به طرح‌ها جدید بیش از مردان امتیاز داده‌اند این اختلاف در حدود ۰.۲۱ است که با توجه به نزدیکی امتیازات قابل توجه است. عدد اصلی امتیازات تا رتبه هشتم عدد ثابت چهار است و رتبه‌بندی تا ردیف هشتم صرفاً

جدول ۵: تطبیق رتبه‌بندی آثار معماری به تفکیک جنسیت، اختلاف و شباهت آرا بین دو گروه

رتبه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
رتبه‌بندی زنان	مرکز علیف	خانه آبشار	اپرا هال سیدنی	تاج محل	خانه بروجردیها	شمس العماره	سن پیتر	ویلا ساوا	سنت پل	خانه داگلاس	گوگنهایم بیلباتو	خانه رقصان
اختلاف رتبه بندی												
رتبه‌بندی مردان	تاج محل	اپرا هال سیدنی	کلیسای سنت پل	مرکز علیف	خانه بروجردیها	سن پیتر	خانه آبشار	شمس العماره	ویلا ساوا	خانه داگلاس	گوگنهایم بیلباتو	خانه رقصان

در ریختگی ترتیب در تمام موارد اصلاح می‌گردد. این موضوع تداعی‌کننده توانایی‌های خرد جمعی است. جدول نهایی با جمع کل امتیازات در جدول ۶ نشان داده شده است. مرکز علیف اثر زاها حدید^۴ با ۴.۴۷ امتیاز بالاترین رتبه و خانه رقصان اثر فرانک گهری^۵ با ۲.۴۶ امتیاز پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. سبک‌های یکسان و یا شیوه‌های مشابه امتیازات نزدیک به هم دریافت کرده‌اند. خانه رقصان و موزه گوگنهایم بیلباتو هر دو به سبک دیکانستراکشن و توسط فرانک گهری طراحی شده‌اند. گرچه کوچک‌ترین شباهتی به هم ندارند با این حال هر دو کم‌ترین امتیاز را دارند. این تشابه امتیاز در بین آثار سنتی ایران نیز وجود دارد همچون خانه بروجردی‌ها، شمس‌العماره و تاج محل، که مورد اخیر به دلیل شباهت به معماری ایرانی در این گروه قرار می‌گیرد. ویلا ساوا و خانه داگلاس به‌عنوان آثار مدرن و پست‌مدرن سفید در کنار هم قرار می‌گیرند. کلاسیک غرب با آثاری همچون کلیسای سن پیتر و سنت پل نیز در گروهی مشابه امتیازدهی شده‌اند. از دیگر نکات قابل توجه آنست که در امتیازدهی مخاطبان سبک‌ها و شیوه‌های معماری یکسان به گونه‌ای امتیازدهی شده‌اند که در کنار هم، گروه‌بندی شده‌اند و هیچ نمونه موردی در میانه آثار متعلق به یک سبک و شیوه جای نگرفته است. به‌عنوان مثال سه نمونه موردی معماری سنتی، دو نمونه موردی کلاسیک غربی، مدرن و پست‌مدرن و دو نمونه موردی دیکانستراکشن به‌طور طبیعی و بر اساس امتیازدهی شرکت‌کنندگان در کنار هم گروه‌بندی شده‌اند و هیچ‌یک با دیگری تداخل نداشته است. این در حالیست که سوالات فاقد ترتیب بودند.

در ترجیحات زیبایی‌شناسی در معماری بین زنان و مردان اختلاف قابل ملاحظه‌ای به چشم می‌خورد. به نحوی که از میان ۱۲ مورد در چهار مورد انطباق وجود دارد. در رده‌بندی زنان ترتیب شیوه و سبک معماری دقیق‌تر به نظر می‌رسد. به‌عنوان مثال تاج محل، خانه بروجردی‌ها و شمس‌العماره در ردیف‌های پی در پی قرار گرفته‌اند. فقط در یک مورد به هم ریختگی سبک و شیوه وجود دارد و آن قرارگیری ویلا ساوا بین دو اثر کلاسیک سن پیتر و سنت پل است. ولی در مردان به هم ریختگی گروه‌بندی‌های سبک و شیوه بیش‌تر است؛ به‌عنوان مثال خانه بروجردی‌ها بین مرکز علیف و کلیسای سن پیتر واقع شده است. این عدم ترتیب سبکی در مورد مردان باز هم تکرار می‌شود. انتخاب اول زنان اثری مدرن، یکپارچه، منعطف و بدون تزئینات است درحالی‌که انتخاب اول مردان اثری سنتی، پرسپکتیو قدرتمند، کاملاً متقارن و پر از تزئینات و جزئیات است. این نوع نگاه وابسته به کارکرد مغز انسان است. مغز در پردازش یک تصویر دو نوع پردازش را تحت عنوان کجایی و چپستی انجام می‌دهد. بخش کجایی به موقعیت فضایی، جهت، فاصله و امثال آن می‌پردازد در حالی‌که چپستی به رنگ و شکل پدیده‌ها توجه دارد. پرسپکتیو نیز در مقوله فضا و موقعیت قرار دارد (Boskabadi et al. 2014). به نظر می‌رسد مردان به موقعیت فضایی پدیده‌های بصری همچون پرسپکتیو توجه بیش‌تری نشان می‌دهند در حالی‌که زنان به چپستی پدیده یا همان رنگ و شکل بیش‌تر توجه می‌کنند. با نگاه بیش‌تر به سایر رتبه‌بندی‌ها در دو گروه زن و مرد می‌توان تفاوت اولویت‌های بیش‌تری را از آنان استخراج کرد. نکته قابل توجه این‌که با تجمیع امتیازات زنان و مردان به هم

جدول ۶: جدول رتبه‌بندی نهایی براساس مینگین کل امتیازات

ردیف	سبک معماری	نمونه موردی	میانگین امتیاز	ویژگی‌های زیبایی‌شناسی و یا سبکی
۱	فولدینگ	مرکز فرهنگی علیف	۴.۴۷	خطوط و سطوح منحنی، فرم سیال و نرم، فاقد زوایای تند و تیز گوشه، هارمونی و هماهنگی، طرح یکپارچه و خوانا، و توازن به‌جای تقارن

ردیف	سبک معماری	نمونه موردی	میانگین امتیاز	ویژگی‌های زیبایی‌شناسی و یا سبکی
۲	ارگانیک	خانه آبشار	۴.۴۲	ادغام در طبیعت، مصالح هماهنگ با محیط، تبعیت از شیب محیط، به‌کارگیری عناصر طبیعی به عنوان اجزاء معماری و بالعکس
۳	تندیس‌گرایی	اپرا هال سیدنی	۴.۳۵	خطوط و سطوح منحنی، ریتم و ضرب‌آهنگ، هارمونی، سازماندهی اجزا و توازن
		تاج محل	۴.۳۱	تقارن نقطه به نقطه، به‌کارگیری پرسپکتیو، حاکمیت محور مرکزی، تاکید بر جزئیات و تزئینات، تکرار اجزا، هماهنگی، مصالح و هنر بومی در پوسته، و سلسله‌مراتب
۴	سنتی	خانه بروجردی‌ها	۴.۲۴	
		شمس‌العماره	۴.۱۷	
		کلیسای سن پیتر و پائول	۴.۱۵	تقارن نقطه به نقطه، به‌کارگیری پرسپکتیو، حاکمیت محور مرکزی، تاکید بر جزئیات و تزئینات، تکرار اجزا، هماهنگی، مصالح و هنر بومی در پوسته، و سلسله‌مراتب
	کلاسیک غرب	کلیسای سنت پل	۴.۰۵	
۶	مدرن	ویلا ساوا	۳.۹۲	حذف جزئیات، حاکمیت هندسه اقلیدسی، احجام ساده، زوایای تیز گوشه و خطوط صاف
۷	پست‌مدرن سفید	خانه داگلاس	۳.۷۴	حذف جزئیات، حاکمیت هندسه اقلیدسی، احجام ساده، زوایای تیز گوشه و خطوط صاف
		گوگنهایم بیلباو	۳.۶۹	ابهام در طرح، عدم خوانایی، زوایای تند، عدم توازن، عدم تعادل، نبود یکپارچگی و وحدت در اجزاء
۸	دیکانستراکشن	خانه رقصان	۲.۴۶	

این ویژگی‌ها در مقایسه آن با طرح فرانک گهری در موزه گوگنهایم بیلباو بیش‌تر آشکار می‌شود. این موزه سرشار از سطوح و خطوط منحنی است ولی در میان امتیازات در رتبه نزدیک به آخر قرار گرفته است. ویژگی‌ای که اثر زها حدید را از طرح گهری جدا می‌کند خوانایی و وحدت اجزا است، در حالی که طرح فرانک گهری مبهم و فاقد یکپارچگی است. در عین حال که سطوح منحنی و سیال هستند ولی قطع اجزا موجب ایجاد زوایای تیز گوشه

ویژگی‌های بصری که در طراحی زها حدید وجود دارد، خطوط و سطوح منحنی است. این سطوح منحنی فرمی سیال و نرم به‌وجود آورده است که برای سیستم بینایی خوشایند است. زوایای تیز گوشه در این اثر وجود ندارد و خطوط مستقیم و بدون انعطاف در میدان دید بیننده نیست. گرچه معماری فاقد تقارن نقطه به نقطه است اما در مجموع به توازن و تعادل رسیده است. از دیگر ویژگی‌ها می‌توان به یکپارچگی و خوانایی اثر اشاره کرد. اهمیت

نموده‌اند. به نظر می‌رسد معیارهای تاثیرگذارتر در زنان انعطاف و سیالیت در طرح است. ولی مردان با انتخاب یک اثر سنتی تمایل بیشتری به تقارن، تزئینات و پرسپکتیو نشان دادند. این تفاوت رأی در سایر نمونه‌های سبکی نیز وجود دارد. به نظر می‌رسد مردان به موقعیت‌های فضایی همچون پرسپکتیو و چینش فضایی اجزا در معماری توجه بیشتری نشان می‌دهند، در حالی که زنان به چستی یا همان رنگ و شکل توجه می‌کنند. احتمالاً توجه زیاد مردان به پرسپکتیو و موقعیت‌های فضایی به دلیل قابلیت مردان در موقعیت‌یابی‌هاست. در تطبیق آرا تنها رتبه‌های یکسان بین زن و مرد مربوط به خانه بروجردی‌ها با رتبه چهار، خانه داگلاس با رتبه ده، موزه گوگنهایم بیلانو با رتبه یازده و خانه رقصان با اختصاص آخرین رتبه یعنی رتبه دوازده می‌باشند. مجموعاً چهار اثر معماری توسط دو گروه دقیقاً یکسان رتبه‌بندی شده ولی در خصوص هشت مورد دیگر اختلاف وجود دارد. در رتبه‌بندی زنان و به خصوص مردان نمونه‌های موردی که متعلق به یک سبک می‌باشند گاه در یک ردیف پی در پی قرار نگرفته‌اند و بین آن‌ها نمونه‌هایی از سبک‌های دیگر جای گرفته است. نکته قابل توجه این‌که اگر میانگین مجموع امتیازات زنان و مردان را محاسبه کنیم، رده‌بندی به دست می‌آید که نمونه آثار مربوط به هر سبک بدون خطا در ردیف‌های پی در پی قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه آثار سنتی، نمونه‌های معماری مدرن، دواثر دیکانستراکشن و دو کلیسای کلاسیک که هر کدام در ردیف‌هایی پی در پی و بدون حدفاصل قرار گرفته‌اند. در حالی که سوالات پرسش‌نامه بدون ترتیب سبکی و یا زیبایی بوده است. این موضوع دقت آرا در یک نظر جمعی پرتعداد را نشان می‌دهد. در رده‌بندی کلی و بدون در نظر گرفتن فاکتور جنسیت، معماری فولدینگ، به طور خاص طرح زاها حدید بیش‌ترین امتیاز را کسب نموده است. کم‌ترین رتبه در میان آثار معماری به سبک دیکانستراکشن اختصاص یافته است. دومین رتبه نیز متعلق به معماری ارگانیک و خانه آبشار است. ویژگی‌های بصری آثار برگزیده به ترتیب عبارت است از: خطوط و سطوح منحنی، نرمی و سیالیت فرم، خوانایی و یکپارچگی، نظم و ساختار، توازن به جای تقارن، هارمونی و هماهنگی. در معماری ارگانیک نیز همان‌گونه که از اصول این معماری بر می‌آید انطباق با طبیعت، هماهنگی طرح با محیط پیرامون و استفاده از مصالح همساز با طبیعت است. آن‌چه که در معماری دیکانستراکشن به عنوان عوامل منفی در زیبایی می‌توان استخراج کرد مواردی است همچون ابهام در طرح، زوایای تیز گوشه، عدم توازن و ساختار ضعیف و ناهماهنگ که موجب گردیده در آخرین رتبه ارزیابی ناظران قرار گیرد. هرچند دیدگاه‌های زیبایی‌شناسانه زنان و مردان با یکدیگر متفاوت است ولی برآیند مجموع هر دو دیدگاه نهایتاً به هارمونی و انسجام ساختار در فرم گرایش می‌یابد (شکل ۲).

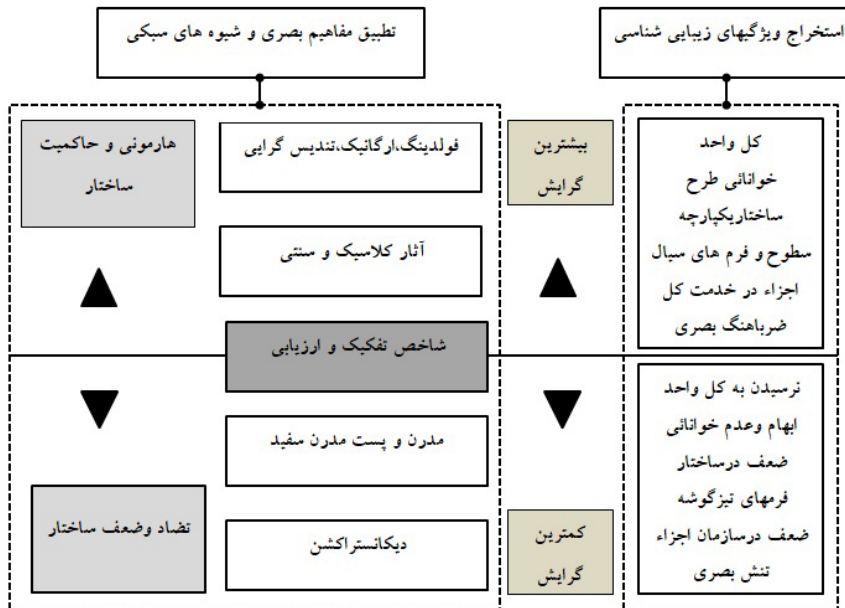
در بنای موزه گردیده است. در حالی که خطوط و سطوح منحنی به خطوط تیز گوشه ترجیح داده می‌شوند. همچنین خطوط و فرم‌های منحنی به دلیل تغییر زاویه، القاگر پویایی هستند (Arnheim 1965, 427). واسیلی کاندینسکی پویایی را در تنش جهت داده شده می‌داند. پویایی تجربه‌ای حسی است که در مغز اتفاق می‌افتد. در یک خط منحنی که در اثر تلاش بیننده برای تطابق آن با یک شکل با قاعده به وجود می‌آید (Grutter 2018, 328). خانه آبشار با رتبه دوم، با دیدگاهی ویژه به طبیعت در سبک ارگانیک طراحی شده است. این معماری، خود همچون جزئی از طبیعت طراحی شده و در به کارگیری مصالح و شیب از طبیعت پیروی کرده است. لذا نه به عنوان یک سازه الحاقی بلکه به عنوان المانی از طبیعت با آن یکی شده است. تبعیت از طبیعت و هماهنگ شدن با آن و عدم تضاد با بافت و محیط پیرامون به عنوان دومین فاکتور مهم در این آزمون مطرح شده است. سومین اثر همانند رتبه اول دارای سطوح و فرم منحنی است؛ با این تفاوت که انعطاف تا آن حد نیست ولی دارای ریتم و ضرباهنگ است. اجزاء معماری نسبت به طرح اول بیش‌تر است ولی به خوبی در یک ساختار قوی سازماندهی شده و به توازن و هماهنگی رسیده‌اند. با نگاه به پایین‌ترین رتبه‌ها می‌توان عدم تعادل، ابهام، نبود ساختار، عدم خوانایی و تنش بصری در کارها را دید. این‌ها می‌توانند از جمله عللی باشند که به لحاظ بصری خوشایند مخاطبان نبوده است. به طور کلی افرادی که در زمینه هنر و میانی زیبایی‌شناسی ندریده‌اند مفاهیمی همچون سادگی، مدرن بودن، توازن و تفاوت را معیار سنجش زیبایی قرار می‌دهند (Yusefi and Zarekhalili 2019).

بنابراین مخاطبان غیر حرفه‌ای نه بر مبنای نظریه‌ها و تئوری‌ها که بر مبنای ذهنیت بکری قضاوت می‌کنند که چه بسا در انطباق بیش‌تری با فطرت طبیعی است. در این طرز تفکر پیچیدگی جای خود را به نظم و سادگی می‌دهد و یا خوانایی و وضوح بیش از ابهام جذابیت دارد. به جای جستجوی مفهوم چه بسا به دنبال ترکیبی چشم‌نواز و هماهنگ در اثر هستند. با تحلیل عمیق تر دیدگاه طراحان و مخاطبان عادی بیش‌تر می‌توان به اختلاف آراء آنان در زیبایی‌شناسی پی برد.

۵. نتیجه‌گیری

زیبایی‌شناسی در هنر و معماری گاه بسته به مخاطبان آن می‌تواند به شیوه‌های متفاوتی ادراک و تفسیر گردد. رتبه‌بندی که در آثار معماری به دست آمده نشان‌دهنده آنست که جنسیت عاملی تاثیرگذار در رتبه‌بندی زیبایی‌شناسی آثار معماری است. تطبیق آراء مردان و زنان نشان می‌دهد که آنان به شیوه‌ای متفاوت آثار معماری را رتبه‌بندی می‌نمایند و هر یک اولویت‌های جداگانه‌ای در قضاوت زیبایی به کار می‌برند. به طوری که اثر زاها حدید از نظر زنان و تاج محل نیز از نظر مردان رتبه اول را کسب

شکل ۲: تطبیق مفاهیم بصری و شیوه‌های سبکی با تبیین شاخصه‌های موثر بر زیبایی‌شناسی



تشکر و قدردانی

این مقاله هیچ حامی مالی و معنوی نداشته است.

تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

تأییدیه اخلاقی

نویسندگان متعهد می‌شوند که کلیه اصول اخلاقی انتشار اثر علمی را براساس اصول اخلاقی COPE رعایت کرده‌اند و در صورت احراز هر یک از موارد تخطی از اصول اخلاقی، حتی پس از انتشار مقاله، حق حذف مقاله و پیگیری مورد را به مجله می‌دهند.

درصد مشارکت

نویسندگان اعلام می‌دارند به‌طور مستقیم در مراحل انجام پژوهش و نگارش مقاله مشارکت فعال داشته‌اند.

پی‌نوشت

1. Folding
2. Deconstruction
3. Organic
4. Zaha Hadid
5. Frank Gehry

فهرست منابع

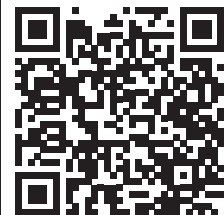
- Arnheim, Rudolf. 1965. *Art and visual perception: A psychology of the creative eye*. united states of america: University of California Press. <https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=68hz5phbLMwC&oi=fnd&pg=PR1&dq=Arnheim,+R.+1965.+Art+and+visual+perception:+A+psychology+of+the+creative+eye.+unit-ed+states+of+america:+University+of+California+Press&ots=2dYT17oc0j&sig=RDeXhJsyhUv3Z986IN-BWVCN7M4>
- Boskabadi, Mounes, Reza Afhami, and Farinaz Farbod. 2014. Neuroesthetics and its Challenges. *Journal of Visual and Applied Arts* 6(12): 29-46. http://vaa.journal.art.ac.ir/article_251.html. [in Persian]
- Dondis Donis A. 2019. *A Primer of visual literacy*. Translated by M. Sepehr. 54th edition. Tehran: Soroush. [in Persian]
- Grutter Jorg Kurt. 2018. *Ästhetik der Architektur : Grundlagen der Architektur-Wahrnehmung [Aesthetics of architecture Basic of architectural perception]*. Translated by J. Pakzad, A. R. Homayun. second edition. Tehran: Shahid Beheshti University. [in Persian]
- Jacobsen, Thomas. 2006. Bridging the arts and sciences: A framework for the psychology of aesthetics. *Leonardo* 39(2): 155-162. <https://doi.org/10.1162/leon.2006.39.2.155>
- Jennath, K. Aysha, and P. J. Nidhish. 2016. Aesthetic judgement and visual impact of architectural forms: a study of library buildings. *Procedia Technology* 24: 1808-1818. <https://doi.org/10.1016/j.protcy.2016.05.226>
- Kapoula, Zoi, and Marine Vernet. 2016. *Aesthetics and Neuroscience*. Cham: Springer International Publishing.
- Mahmoodinezhad Hadi. 2019. *Neurology in architecture*. Tehran: Tahan. [in Persian]
- Meyer Lucio. 2020. *Visual aesthetics*. Translated by A. A. Sherve. second edition. Tehran: Shabahang. [in Persian]
- O'Connor, Zena. 2015. Colour, contrast and gestalt theories of perception: The impact in contemporary visual communications design. *Color Research & Application* 40(1): 85-92. <https://doi.org/10.1002/col.21858>
- Safdarian, Ghazal. 2017. Explaining the impact of paradigm on changes in form in contemporary architecture. *Hoviatshahr* (31): 95-104. <http://sanad.iau.ir/fa/Article/795493>. [in Persian]
- Sarmad, Zohreh, Abbas Bazargan, and Elahe Hejazi. 2019. *Research methods in behavioral sciences*. 33 th Edition. Tehran: Agah. [in Persian]
- Yusefi, Rasoul, and Fathollah Zarekhalili. 2019. factors Affecting the Aesthetic Perception of Art (Case Study: Two Faculties of Shiraz University in 1397). *Sociology of Art and Literature* 10(2): 145-171. https://jsal.ut.ac.ir/article_72817.html. [in Persian]

نحوه ارجاع به این مقاله

ناصحی، سیدعلیرضا، مهناز محمودی زرنندی، و حسین ذبیحی. ۱۴۰۳. مطالعه تطبیقی ترجیحات بصری مخاطبان عام در سبک‌های معماری و هنر از منظر زیبایی‌شناسی. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر ۱۷(۴۶): ۳۹-۴۸.

DOI: 10.22034/AAUD.2024.298544.2525

URL: https://www.armanshahrjournal.com/article_196206.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

